

شورای نویسندگان مجله مسائل ایران انجام
مراسم تاجگذاری و بر آوردن این آرمان و آرزوی
مقدس ملی باستانی شاهنشاهی راکه باتن و جان
ملت کهنسال ایرانی پیوستگی دارد به شاهنشاه
آریامهر رهبر محبوب و علیاحضرت شهبانو فرح و
ملت ایران تبریک و تهنیت میگویند .



مسئله تحقیق تاجگذاری شاهنشاهان و سنت سلطنت
شاهنشاهی مملکت ما که یکی از بزرگترین پدیده و قوام و
ملاط اجتماعی ملت ایران میباشد مورد بررسی محققین
مجله ما است که هنوز از لحاظ تجزیه و تحلیل تاریخی
اجتماعی و ملی با تمام نرسیده و آماده برای انتشار نیست
و تاکنون هیئت تحریریه مجله بهترین بررسی و تحقیقی که
در این مورد سنت و اجتماع ما می شناسد تحقیقی است که
آقای دکتر رضازاده شفق استاد محترم انجام داده و ضمن
سخنرانی رادیویی خود بیان داشته اند و ما قسمت برجسته
این تحقیق اجتماعی تاجگذاری شاهنشاهی ایران را برای
اطلاع خوانندگان عزیز و ملت ایران در زیر چاپ مینمائیم .

يك تحقيق جالب اجتماعي

درباره سنت تاريخي تاجگذاري در ايران

بهترين شكل حكومت كه هم حكم تاريخ آنرا تايبند و هم منطق بشري آنرا تصديق كرده حكومت ملي ما است كه يونانيان باستان آنرا (دمكراتيا) ناميدند و ابراهام لينكولن شانزدهمين رئيس جمهوري آمريكا آنرا چنين تعريف كرد: «حكومت مردم بدست مردم براي مردم يعني حكومتي با حاكميت ملي باشد نه بيگانه و آن حاكميت بدست خود مردم كشور باشد و هدف و نتيجه حكومت رفاه و سعادت قاطبه مردم يعني طبق عدالت اجتماعي باشد. چنين حكومتي ممكنست از نظر سازمان و روش بحكم عوامل جغرافيايي و تاريخي اشكال داشته باشد كه از آن جمله دو نوع معروف يكي حكومت جمهوري مغرب. زمين است ديگري حكومت شاهنشاهي ايران. هر دو شكل و روش ممكنست بمعني صحيح ملي باشد و ممكنست نباشد، ممكنست بواسطه پيش آمدها و عوامل مختلف ادوار تاريخي ممكنست بواسطه جزر و مد يا پيشرفت و پستي فرا آورديكي از مهمترين آن عوامل اقتادن حكومت بدست اشخاص لايق و يا نالايق باشد، در تاريخ باستان مغرب زمين هم در يونان هم در روم در ادوار جمهوري و در ادوار ظهور سلاطين تا كار بدست اقتدار افراد لايق اقتاد آن ممالك روبه پيشرفت نهاد و تا افراد نالايق يادسته بندي بميان آمد دوره انحطاط آن ممالك آغاز كرد تاريخ پيشوايان و پادشاهان شايسته بياد دارد كه بنيان ترقي و تمدن يونان و روم را نهادند و دسته بنديها و تفرقه ها بياد دارد كه موجبات انقراض آن كشور ها را فراهم ساختند. اشكال عمده در نام و شكل حكومت نيست بلكه در بودن و نبودن افراد و اشخاص كارآمد شايسته است پس روش حكومت ملي ياد مكراسي در هر دو سبك حكومت يعني جمهوري يا سلطنتي ممكنست، بشرط وجود افراد لايق.

لازم نيست براي درك اين حقيقت هميشه بزمانهاي باستان برگرديم در زمان خود ما هم در مشرق و هم در مغرب حكومتهائي داريم پادشاهي كه نمونه

دمکراسی محسوبند . و پیشرفته ترین حکومتها هستند و پیشرفته ترین کشورها و ملتها را دارند و ممالکی داریم که شکل جمهوری دارند و گرفتار مصائب و بازیچهٔ مظالم و ملمبهٔ حوادثند و عکس این هم وجود دارد .

کشور و ملت ما ازین قاعده کلی بیرون نیست هم در پیش از اسلام و هم در بعد از اسلام پادشاهان و وزیران بزرگ خردمند در این سرزمین ظهور کردند که عقل و کوشش و تدبیر آنان سطح تمدن محیط و مردم را باوج افتخار رسانید و عدالت اجتماعی در حدود امکان تأمین شد ، و خدمات و اقدامات آنان ثبت صحایف تاریخ ما و تاریخ جهان گشت ولی از روزگاراها و قدیمترین تواریخ روزگارباستان ما با اینکه اخبار و روایات بما رسیده و سنگ نبشته‌هایی هم مانده اسناد و مدارک کتبی که آنوقت وجود داشته بعصر ما نمانده .

بموجب روایات ملی خودمان و اخبار یونانی و عبرانی ما ایرانیان از آن روزگاران داستانها و کتابهای تاریخ داشتیم و وقایع را ثبت و ضبط میکردیم که افسوس آنگونه تألیفات از بین رفته است نزدیکترین آنها بما از دورهٔ پیش از اسلام کتاب خداینامه یا شاهنامهٔ پهلوی است که دور نیست بطرز و روش شاهنامه فردوسی نوشته شده بوده . شاهنامه فردوسی که هزار سال پیش در حدود شصت هزار بیت با فکر توانا و همت والای آن ایرانی پاکدین و پاک‌گهر بوجود آمد داستانی است تاریخی یا تاریخی است داستانی . ارزش داستان در نمودار ساختن تمدن و فلسفه و معتقدات و رسوم ملتها از ارزش تاریخ کمتر نیست و شاید ازین نظر کتابهای متعدد لازم باشد که در شرح شاهنامه تألیف یابد . یکی از موضوعهای جالب شاهنامه وصف و تعریف مراسم تاجگذاری شاهان این کشور که سال است که اینک در اینموقع که تاجگذاری فرخندهٔ شاهنشاه آریامهر بمبارکی و میمنت در پیش است چندی از آن مراسم را که نمودار آیین کهن ماست بطور خلاصه از شاهنامه نقل میکنم .

همانطور که گفتیم شاهنامه داستان تاریخی است یعنی هم داستان در آن هست هم تاریخ از وقایع و اوضاعی بحث میکند که کما پیش همانطور که ثبت شده وقوع یافته ولی داستان از وقایع و اوضاعی بحث میکند که با مرور زمان در نقل آنها خیال و امیال و رنگ آمیزی کار کرده و افسانه با حقیقت آمیخته است داستانهای معروف ملت‌های بزرگ جهان مانند ایران هیچیک صد در صد بیمايه

و پایه نیست گرچه هیچک هم صد در صد چنانکه نقل میشود وقوع نداشته است . مثلاً در مطالعه وصف مکرر مراسم تاجگذاری در ایران باستان که امروز مطرح است باید دریابیم مسلماً شاهان بزرگ ما در خور آیین و شکوه خیره کننده دستگاه يك شاهنشاهی بزرگ جهانی همان تختها و تاجهای درخشان و آذین ها و رسمها و جشن های فروزان را میداشته اند . و همان پرچمهای جلال و عظمت را بر فراز کاخ حکومت جهانی خود میافراشته اند . نهایت اینکه نیروی خیال در نقل آنها نفوذ کرده و با افزودن و کاستن و آراستن و پیراستن تغییراتی داده برنگ آمیزیهایی بجا آورده است .

پس اینکه در آنباب در شاهنامه میخوانیم نه همه اش مخلوق خیال است و نه تماش حقیقت حال فردوسی موهوم صرف جعل نکرده و آنهمه داستانها را از خیال نیافریده بلکه حقایق تاریخی را که بواسطه روایات کتبی یا شفاهی نسل بعد از نسل از جوف قرون و اعصار گذشته و تصورات و آرزوهای رنگارنگ گاهی افزایش و گاهی کاهش و گاهی آرایش و گاهی پیرایش یا آنها بخشیده است باز گو کرده است .

مطلبی که در آغاز شاهنامه جلب نظر میکند : همانطور که جناب آقای دکتر بیضا در برنامه سی ام شهریورماه اشاره فرمودند اینست که نخستین تاجگذار تاریخ بشر شاهنشاه ایران کیومرث یا (کیومرث) بود این دعوی فردوسی بیمایه نیست در اینکه ایران سرزمین قدیمترین و باشکوهترین شاهنشاهی جهانی روزگار باستان را بوجود آورد گویا تردیدی نباشد پس این سخنان شاعر بزرگ پایه و مایه ای دارد :

سخنگوی دهقان چه گوید نخست	که تاج بزرگی بگیتی که جست
که بود آنکه دیهیم بر سر نهاد	ندارد کس از روزگاران بیاد
مگر کز پدر یاد دارد پسر	بگوید ترا يك بيك از پدر
که نام بزرگی که آورد پیش	کرا بود از آن برتران پایه بیش
پژوهنده نامه باستان	که از پهلوانان زند داستان
چنین گفت کابین تخت و کلاه	کیومرث آورد و او بود شاه

در هر صورت حقیقت این داستان اینست که یکی از کهنسالترین فرمانروایهای جهان که رسم تاجگذاری را شاید برای نخستین بار برپا داشت ایران بود .

۱ - فردوسی وصفهایی از پیکره و تزیینات و نمایش تخت و تاجهای شاهان شکوهمند کرده که نمونه‌ای از آن نقل میکنم. اخبار نادر یونانی و عبرانی نیز وجود چنان تخت و تاج آنروز گاررا در ایران میرساند.

در داستان جلوس کیکاوس گوید :

چو بگرفت کاوس گاه پدرا	مر او را جهان بنده شد سر بسر
ز هر گونه‌ای گنج آکنده دید	جهان سر بسر پیش خود بنده دید
هم از طوق و هم تخت و هم گوشوار	همان تاج زرین زبرجد نگار
همان تازی اسبان آکنده یال	بکیستی ندانست کسرا همال
یکی تخت زرین بلورینش پای	نشسته برو بر جهان کدخدای

در جلوس اردشیر بابکان گوید :

ببنداد بنشست بر تخت عاج	نهاده بسر بر ز پیروزه تاج
چو تاجی بزرگی بسر بر نهاد	چنین کرد بر تخت پیروزه یاد

در ذکر بهرام سخنی از تخت زره رفته و در ذکر نرسی از «تخت عاج»
 ۲ - بموجب اشعاری سر آغاز جشن تاجگذاری با سپاس و ستایش خدای تعالی
 از طرف پادشاه گشایش مییابد :

در جلوس بهرام گوید :

نخست آفرین کرد بر کردگار	فروزنده گردش روزگار
--------------------------	---------------------

بهرام اول پسر شاپور چون بتخت نشست چنین گفت :

ز ما ایزد پاک خشنود باد	بد اندیش را دل پر از دود باد
همه دانش اوراست ما بنده‌ایم	که کاهنده و هم فزاینده‌ایم
جهاندار یزدان بود داور است	که نفزود در پادشاهی نه کاست

بهرام گور تا بر تخت نشست :

پرستش گرفت آفریننده را	جهاندار بیدار بیننده را
خداوند پیروزی و برتری	خداوند افزونی و کهنتری

در جلوس انوشیروان گوید :

سر نامداران زبان بر گشاد	ز دادار نیکی دهش کرد یاد
چنین گفت کز کردار سپهر	دل ما پر از آفرین باد و مهر
کز وهست نیک و بد و ننگ و نام	ازو مستمندیم و ازو شادکام

در جلوس هرمز گوید :

نخست آفرین کرد بر کردگار توانا و دارنده روزگار
چنانکه میدانیم سنگ نبشته های هخامنشیان و ساسانیان بر این رسم کهن
خداستایی شاهنشاهان ایران گواهد است و همین مینمایاند که روایت شاعر ملی
ما با حقیقت برابر است . شاهان ایران بنام خدا و با توکل بخدا حکومت
خود را آغاز میکردند .

۳- از مراسم تاجگذاری پادشاهان بزرگ ما یکی نیز اینک بزرگان
کشور انجمن میکردند و بر پادشاه دعا میخواندند و بر او جواهر نثار میداشتند
و فرمان او را گردن مینهادند :

در داستان تخت نشستن جمشید چنین میخوانیم :

بفر کیانی یکی تخت ساخت چه مایه بدو گوهر اندر شتافت
جهان انجمن شد بر تخت اوی فرو مانده از فرۀ بخت اوی
بجمشید بر گوهر افشاندند مر آن روز را روز نو خواندند

در باب تاجگذاری فریدون چنین آمده :

بزرگان لشکر چو بشناختند بر شهریار جهان تاختند
که ای شاه پیروز یزدانشناس ستایش مرا و زویت سپاس
چنین روز و روزت فزون باد بخت بد اندیشگانرا نکون باد بخت
همه زرو گوهر بر آمیختند بتخت سپهبد فرو ریختند
یزدان همه خوانده اند آفرین بر آن تاج و تخت و کلاه و نگین
همه دست بر داشته باسمان همی خواندندی بنیکی گمان
که جاوید بادا چنین روزگار برومند بادا چنین شهریار

در جلوس منوچهر گوید :

همه نامداران روی زمین برو یکسره خوانده اند آفرین
تورا باد جاوید تخت روان همان تاج و هم فرۀ مؤبدان
دل ما یکایک بفرمان تست همان جان ما زیر پیمان تست

در جلوس بهرام هرمز چنین گوید :

چو بهرام بنشست بر تخت زر
دل و مغز جوشان زدرد پدر
برو خوانده اند آفرین خدای
که تا جای باشد تومانی بجای
که تاج و گیتی تارکت راسزاست
پدر بر پدر پادشاهی تورااست

در جلوس شاپور گوید :

برفتند گردان زرین گهر
بیاویختند از برش تاج زر
شاهی برو آفرین خواندند
همه مهتران گوهر افشاندند

باز در جلوس بهرام گوید :

بزرگان برو گوهر افشاندند
بر آن تاج نو آفرین خواندند
زبان بر گشادند ایرانیان
که بستیم ما بندگی را میان
که این تاج بر شاه فرخنده باد
همیشه دل و بخت او زنده باد
وزان پس کجا آفرین خوانده اند
همه پیش او گوهر افشاندند .

بموجب ایاتی دیگر بزرگان و مهتران و سالاران و عامه مردم از ولایات هم برای عرض مبارکباد به پایتخت گرد میآمدند .

۴ - از آیینهای جشن تاجگذاری گسترده خوان نعمت بروی مردم و فراهم آوردن بزم نشاط و دامشگری و آتش افروزی و چراغان بوده .

اینک ایاتی برای نمونه چنان آیین :

در تاجگذاری فریدون گوید :

نشستند فرزندان شادکام
می روشن و چهره شاه نو
گرفتند هر یک ز یاقوت جام
بفرمود تا آتش افروختند
جهان گشت روشن سر ماه نو
همه عنبر و زعفران سوختند
بمادر که فرزند شد تاجور
بر آن شادمان گردش روزگار
همی داشت روز بد خویش راز
همان راز او داشت اندر نهفت
چنان شد که درویش نشناخت نیز
مهانی که بودند گردن فراز
دگر هفته مر بزم را کرد ساز

بیاد است چون بوستان خوان خویش مهان راهمه کرده مهمان خویش

در تاجگذاری کیکاوس سخن اینچنین از رامشگری رفته :

برفت از در پرده سالار بار بیامد خرامان بر شهریار

بگفتش که رامشگری بر درست ابا بربط نغز رامشگر است

بفرمود تا پیش او تاختند بر رود سازنش بشتافتند

ببربط چو بایست بر ساخت رود بر آورد مازندران سرود

که مازندران شهر ما یاد باد همیشه برو بومش آباد باد

که در بوستانش همیشه گلست بکوه اندرون لاله و سنبلست

۵ - در شاهنامه از مراسم و جشن جلوس و تاجگذاری پیش از بیست پادشاه

وصفی بعمل آمده که برگزیده و فشرده آن مراسم را نقل کردم ولی يك رسم

دیگر بس مهم و ارزنده را پایان نکه داشتم که خطاب به ام بحسن ختام بسز آید

و آنهم عبارتست از اینکه شاهنشاهان ماهنگام تاجگذاری پس از آنکه ستایش و

آفرین خدای بزرگ بجا میآوردند و مؤبدان و مهان کشور نیز دعا و ثنا عرضه

میداشتند تا تاج کیانی بر تارک شاهانه خود مینهادند و بر تخت زرین پیروزه گون

زبرجد نشان بر میآمدند بعد از ستایش خدا یکرشته سخنان بلند و معانی

نغز خدا پسند از راه پند و نوید و وعده و عید ایراد میکردند که جادارد بخشی

از آنرا برای نمودار ساختن برتری حیرت آور فکر و فرهنگ بزرگان این

سرزمین بگوش هوش هم میهنان گرامی که عنقریب در بزرگترین جشن

تاجگذاری تاریخ کشور شرکت خواهند جست بر سانم و عین سخنان شاهان را

چنانکه از زبان فردوسی جاری شده بخوانم . بقیه دارد